

تغییرات مکرر تعرفه واردات خودرو، نشانه ای از بی ثباتی سیاست گذاری اقتصادی است؛ وضعیتی که بازار، واردکنندگان و مصرف کنندگان را در بالاتکلیفی فروبرده است. در سال ۱۴۰۳، حقوق ورودی خودروهای وارداتی بسته به نوع و حجم موتور آنها، از ۴ درصد برای خودروهای برقی تا ۱۳۵ درصد برای خودروهای بنزینی با حجم موتور بالا تعیین شده بود. اما در قانون بودجه سال ۱۴۰۴، نرخ واحد ۱۰۰ درصدی برای همه خودروهای وارداتی از محل ارز تخصیصی بند (ر) تبصره (۱) قانون بودجه تعیین شد. بر همین اساس، گمرک ایران نیز در تاریخ ۲۷ فروردین ماه، بخشنامه ای صادر و این تعرفه را ابلاغ کرد.

با این حال، سازمان توسعه تجارت در نامه ای به گمرک ایران، تأکید کرد که تا زمان تصویب و ابلاغ آئین نامه اجرایی مربوط به بند (ر)، محاسبه حقوق ورودی خودروها باید مطابق با نرخ های جاری و پیشین صورت گیرد؛ یعنی خودروهای برقی ۴ درصد، هیبریدی ۱۵ درصد و... این اقدام در راستای ایجاد شفافیت و جلوگیری از ابهام در اجرای تعرفه ها انجام شد.

سازمان توسعه تجارت همچنین تصریح کرد که هنوز آئین نامه اجرایی مربوط به بند (ر) تهیه و تصویب نشده و حتی ثبت سفارشی نیز بر اساس این بند انجام نگرفته است، بنابراین اجرای نرخ ۱۰۰ درصدی فعلاً مبنای ندارد و باید از تعرفه های مصوب در کتاب مقررات صادرات و واردات پیروی کرد.

در ادامه و با شدت گرفتن انتقادات نسبت به افزایش شدید تعرفه واردات، محمدعلی دهقان دهنوی، رئیس کل سازمان توسعه تجارت، رسماً اعلام کرد که این سازمان مخالف تعرفه های بالای واردات خودرو است و اجرای نرخ ۱۰۰ درصدی عملاً در حال حاضر ممکن نیست.

در نهایت، دولت پس از ماه ها بالاتکلیفی، در تاریخ ۱۱ تیرماه آئین نامه واردات خودرو را ابلاغ کرد. برخلاف قانون بودجه، در این آئین نامه تعرفه واردات خودرو ۲۰ درصد

با این حال، کارشناسان حقوقی و اقتصادی هشدار دادند که چون این تعرفه با قانون بودجه مغایرت دارد، قابلیت اجرایی ندارد. این هشدارها چندان بی اثر نبوده؛ زیرا دیوان عدالت اداری با بررسی شکایات مطرح شده، دستور موقت توقف اجرای این آئین نامه و به ویژه بخش مربوط به کاهش تعرفه واردات را صادر کرد.

تشدید بالاتکلیفی

به گزارش مهر، این روند پرنوسان و چندباره تغییر در تعرفه واردات خودرو، تنها یک مسئله فنی یا حقوقی در چارچوب قوانین گمرکی نیست، بلکه نمادی از ضعف در ثبات و پیش بینی پذیری سیاست های اقتصادی کشور است. فعالان بازار، چه واردکنندگان رسمی و چه شرکت های خدمات پس از فروش، برای هرگونه برنامه ریزی، نیاز به چشم انداز روشن و باثبات دارند. وقتی در عرض ماه چندین بار سیاست تعرفه ای تغییر می کند - از تعیین نرخ ۱۰۰ درصدی توسط گمرک، سپس تصویب آئین نامه ای با تعرفه ۲۰ درصد و در نهایت توقف آن از سوی دیوان عدالت اداری - این پیام به بازار مخابره می شود که هیچ تصمیمی قطعی نیست و هر لحظه ممکن است تغییر کند.

این بالاتکلیفی، هزینه های پنهان و آشکار فراوانی به دنبال دارد. شرکت های واردکننده قادر نیستند برای مدت مشخصی قرارداد ببندند، چراکه نمی دانند هنگام ترخیص کالا، تعرفه به کدام میزان محاسبه خواهد شد. این مسئله، به تعویق در واردات، توقف سفارش گذاری و حتی انصراف برخی شرکت ها از ورود به این بازار منجر شده است. از سوی دیگر، در غیاب یک سیاست وارداتی شفاف، تأمین قطعات خودروهای وارداتی فعلی نیز دچار اختلال می شود؛ امری که مستقیماً مصرف کنندگان را متضرر می کند. از نظر مصرف کننده نیز، نوسان تعرفه ها باعث بی ثباتی در قیمت خودروهای وارداتی در بازار آزاد شده است. خریداران نمی دانند که قیمت امروز، حاصل تعرفه واقعی است یا حباب ناشی از بالاتکلیفی، این بی اعتمادی، باعث کاهش تقاضا، تعویق خرید و در نهایت رکود در بازار خودرو شده است.

در مقیاسی کل تر، این وضعیت به فضای کلی کسب وکار و سرمایه گذاری خارجی نیز لطمه می زند. هرگونه سرمایه گذاری در حوزه حمل و نقل، مونتاژ، واردات یا حتی تولید خودروهای پاک، نیازمند قوانین روشن و باثبات است. عدم اطمینان از سیاست های آینده، مانع ورود سرمایه گذاران جدید می شود و آن هایی را که وارد شده اند، نسبت به تداوم فعالیت دلسرد می کند. در نهایت، باید گفت که ثبات در مقررات، به ویژه در حوزه هایی با تأثیرگذاری بالا مانند واردات خودرو، از الزامات رشد اقتصادی و توسعه صنعتی است. تا زمانی که چارچوب تصمیم گیری اقتصادی بر مبنای اصول پیش بینی پذیری، شفافیت و پایداری تنظیم نشود، نه تنها بازار خودرو بلکه سایر حوزه های اقتصادی نیز در معرض رکود، نوسان و فرار سرمایه خواهند بود.

ایرج رهبر در گفت وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد

سردرگمی های دولت و مردم در بازار مسکن



پیش بینی کارشناسان از بازار مسکن پساجنگ

پیامدهای خروج پرهیاھوی اتباع در بازار مسکن

آرمان ملی - صدبقیه یهزادپور: بازار مسکن ایران در سال های اخیر با مجموعه ای از مشکلات ساختاری و اقتصادی روبه روه شده است که باعث رکود شدید، کاهش قدرت خرید مردم و عدم تحقق اهداف حمایتی دولت شده است. این بازار در دولت های گذشته، صحنه نبردی نابرابر بین قدرت خرید شهروندان و افسارگسیختگی قیمت ها تبدیل شده است. در حالی که زمانی موتور محرکه اقتصاد کشور محسوب می شد، امروز به کانونی از نگرانی ها برای سیاست گذاران، سرمایه گذاران و خانواده های ایرانی تبدیل شده است. به اعتقاد کارشناسان، تورم فزاینده که در برخی ماه ها از

بازار مسکن در سال های گذشته با رکود سنگینی در ساخت

و ساز و همچنین رشد انفجاری اجاره بها روبه رو شده است، در حالی که بسیاری از تحلیلگران پیش بینی کرده بودند که از آغاز سالجاری وضعیت بازار مسکن متحول خواهد شد و رو به بهبود خواهد رفت که اینگونه نشد. دلیل این رویکرد چیست؟

بازار مسکن کشور در سالیان اخیر، عملاً در شرایط رکود عمیقی قرار گرفته است. افزایش نرخ تورم و هزینه های زندگی موجب کاهش قدرت خرید مردم شده و توانایی آنان برای ورود به بازار مسکن و خرید خانه را به شدت کاهش داده است. نرخ تورم بالا به همراه رشد دستمزدها که متناسب با افزایش هزینه ها نبوده، باعث شده تا تقاضای مؤثر در بازار مسکن به شکل قابل توجهی کاهش یابد.

از طرفی، نرخ بهره وام های مسکن نیز به دلیل سیاست های پولی سختگیرانه، دسترسی به تسهیلات را برای بسیاری از خانواده ها دشوار کرده است. این عوامل به همراه مشکلات ساختاری در عرضه مسکن، زمینه ساز کاهش تحکرات در بازار شده است. درحقیقت رکود موجود نه تنها به کاهش معاملات انجامیده، بلکه باعث شده است تا پروژه های ساختمانی نیز با مشکلات مالی مواجه شوند و روند ساخت وساز متوقف یا کند شود. در دهه اخیر، تورم فزاینده در ایران به یکی از اصلی ترین عوامل کاهش تقاضای مؤثر در بازار مسکن تبدیل شده است. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، نرخ تورم نقطه به نقطه در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۴۰ درصد رسید، در حالی که رشد دستمزدها به طور متوسط تنها ۲۵ درصد افزایش یافته است. این شکاف بین درآمد و هزینه ها، توانایی خانوارها برای خرید مسکن را به شدت کاهش داده است. همچنین افزایش قیمت مسکن، نسبت به درآمد به هیچ وجه متعادل نبوده است. در سال ۱۴۰۲، نسبت قیمت مسکن به درآمد سالانه خانوار در تهران به حدود ۳۰ برابر رسید، در حالی که این شاخص در شرایط متعادل باید بین ۵ تا ۱۰ برابر باشد. علاوه بر این با وجود رشد نقدینگی در اقتصاد ایران، بخش عمده آن به سمت بازارهای سوداگرانه مانند ارز و سهام رفته و سهم کمی به بازار مسکن اختصاص یافته است که خود عامل مؤثری در رکود این بازار در مقایسه با بازارهای دیگر است. در حقیقت، بررسی وضعیت کنونی بازار مسکن نشان دهنده رکود عمیق، کاهش قدرت خرید خانوارها، افزایش قیمت ها و نا کارآمدی سیاست های حمایتی دولت است.

مسکن حمایتی از جمله ضرورت هایی به شمار می آید که

هر دولتی در دایره مسئولیت های خود باید به طور جدی به منظور تأمین مسکن طبقات آسیب پذیر به ویژه، به آن بپردازد. دولت ها باید در این راستا به وظیفه خود به خوبی عمل کرده اند؟ یکی از وعده های مهم دولت های اخیر، ساخت مسکن حمایتی برای اقشار کم درآمد و آسیب پذیر جامعه بوده است. طرح هایی مانند مسکن ملی، مسکن محرومین و سایر برنامه های حمایتی در دستور کار قرار گرفتند تا بتوانند بخشی از نیازهای مسکن کشور را پاسخ دهند. بااین وجود، بر اساس گزارش ها و تحلیل های میدانی، میزان ساخت مسکن حمایتی بسیار کمتر از اهداف اعلام شده بود و در مواردی حتی به یک دهم میزان پیش بینی شده نیز رسیده است. این ناکامی دلایل متعددی دارد که از جمله آنها می توان به تأخیرهای اداری، مشکلات مالی دولت، محدودیت منابع و عدم هماهنگی بین بخش های مختلف اشاره کرد. عدم تحقق این طرح ها باعث شده است که بخش قابل توجهی از اقشار آسیب پذیر همچنان به ناچار در بازار اجاره باسکونه های غیر رسمی به سر برند که این مسأله خود چالش های اجتماعی و اقتصادی متعددی را به همراه دارد. از طرفی کمبود شدید واحدهای تحویلی، باعث کاهش اعتماد متقاضیان برای حضور و مشارکت در این طرح ها شده است. در سال ۱۴۰۳، تنها ۲۰ درصد از اهداف ساخت مسکن ملی محقق شده است و از طرفی بسیاری از واحدهای ساخته شده در مناطق دور از مراکز شهری و بدون دسترسی به امکانات ضروری هستند که همگی دلایلی برای عدم موفقیت این طرح ها به شمار می آیند. به علاوه در این میان، افزایش هزینه های ساخت و ساز به عنوان سدی در برابر عرضه مطلوب مسکن حمایتی در سال های اخیر عمل کرده است. افزایش سرسام آور هزینه های ساخت وساز است. افزایش قیمت مصالح ساختمانی که در دو سال اخیر رشدی بیش از ۴۰۰ درصد را تجربه کرده است و دستمزد کارگران ساختمانی و... همگی در بروز چالش های بازار مسکن مؤثر بوده اند. به علاوه شهرداری های کلان شهرها با اوضاع عوارض سنگین بر ساخت وساز، بر آتش این بحران دامن زده اند. عوارض تراکم در برخی مناطق تهران تا ۶۰ درصد هزینه تمام شده پروژه را افزایش داده است. نتیجه این شده که بسیاری از سازندگان ترجیح می دهند به جای فعالیت در بخش مسکن ارزان قیمت، به ساخت ویلاها و واحدهای لوکس روی آورند که سودآوری بیشتری دارد.

بسیاری عقیده بر این داشتند که خروج اتباع از کشور باعث بهبود بازار به خصوص در بخش اشاره شده و با کاهش اجاره بها می توان امیدهایی را نیز برای متعادل شدن قیمت مسکن نیز شاهد بود. آیا این تحلیل ها و پیش بینی ها، محقق شده است؟



مرز ۵۰ درصد عبور کرده، رشد نامتناسب دستمزدها، سیاست های انقباضی بانک مرکزی و افزایش بی رویه هزینه های ساخت وساز از جمله این عوامل هستند. نتیجه این شده که امروز یک خانوار تهرانی برای خرید یک واحد ۷۰ متری باید معادل ۳۰ سال درآمد خود را هزینه کند، در حالی که این نسبت در شرایط متعارف نباید از ۵ تا ۱۰ سال بیشتر باشد. در گفت وگو با ایرج رهبر، رئیس هیات مدیره انجمن صنفی انبوه سازان مسکن استان تهران گفت وگو کرده ایم که در ذیل مشاهده می فرمایید.

بر اساس گزارش ها و تحلیل های میدانی، میزان ساخت مسکن حمایتی بسیار کمتر از اهداف اعلام شده بوده و در مواردی حتی به یک دهم میزان پیش بینی شده نیز نرسیده است

به خصوص در مناطق شمال شهر پایتخت و برخی از استان ها منتهی شد. آیا تنش های منطقه، تحریم و... باعث رکود سنگین بازار مسکن شده اند و آیا ادامه دار هستند؟

به گمان بسیاری از افراد رخداد های امنیتی و بحران های های خیر و جنگ و... توانسته است قیمت مسکن را به چالش بکشد. به عنوان نمونه، جنگ ۱۲ روزه در برخی مناطق شمالی و شمال شرقی تهران منجر به خروج بسیاری از مالکان از این مناطق و فروش فوری املاک با قیمت های پایین شد. این اتفاق به صورت موقتی باعث کاهش قیمت در برخی مناطق شد، اما در حقیقت تأثیر آن بر قیمت کل بازار مسکن محدود است، چرا خانه های این منطقه بیشتر لاکچری یا ممتازهای بزرگ و... تلقی می شود، اما هدف اصلی دولت تأمین مسکن برای طبقات آسیب پذیر جامعه در متراژ و قیمت های کمتر است، که البته در این زمینه تاکنون به دلایل مختلف موفقیت چندانی نداشته است. از جمله دلایل این مسئمه می توان به خروج نیروی کار ارزان، به ویژه اتباع خارجی، منجر به افزایش دستمزدها در بخش ساخت وساز شده است. همچنین افزایش هزینه های جانبی مانند مواد اولیه، انرژی و مالیات ها باعث شده است تا قیمت تمام شده ساخت مسکن به شدت افزایش یابد. این روند برخلاف انتظار، نه تنها باعث کاهش قیمت مسکن نشده، بلکه منجر به افزایش آن شده است که در نهایت فشار مضاعفی بر خریداران وارد کرده است. در حقیقت یکی از پدیده های مهم در سال های اخیر، مهاجرت گسترده از شهرهای کوچک تر به کلان شهرها، به ویژه تهران است. این مهاجرت به دلایل مختلفی از جمله کمبود فرصت های شغلی، بحران آب و مشکلات زیست محیطی صورت می گیرد. افزایش جمعیت در کلان شهرها تقاضا برای مسکن را افزایش می دهد و با توجه به کمبود عرضه متناسب، فشار قیمت ها را بالا می برد. بازار اجاره نیز به شدت تحت فشار است. افزایش مستمر نرخ اجاره بها باعث شده است که اقشار کم درآمد و مستأجران دچار بحران جدی شوند. دولت تاکنون نتوانسته است سیاست های مناسبی برای کنترل بازار اجاره و حمایت از مستأجران اجرا کند. در بسیاری از مناطق، مستأجران مجبور به کوچ به حاشیه شهرها و مناطق با امکانات کمتر شده اند که این خود تبعات اجتماعی و اقتصادی متعددی به همراه دارد.

بسیاری عقیده بر این داشتند که خروج اتباع از کشور باعث بهبود بازار به خصوص در بخش اشاره شده و با کاهش اجاره بها می توان امیدهایی را نیز برای متعادل شدن قیمت مسکن نیز شاهد بود. آیا این تحلیل ها و پیش بینی ها، محقق شده است؟

در سال های اخیر، یکی از مسائلی که برخی تحلیل گران تصور می کردند می تواند منجر به کاهش قیمت یا حداقل متعادل سازی بازار اجاره و خرید مسکن شود، خروج بخشی از مهاجران افغانستانی از ایران بود. این گروه به ویژه در شهرهای بزرگ، سهم قابل توجهی از سکونت گاه های استیجاری ارزان قیمت یا مشاغل خدماتی مرتبط با نگهداری و ساخت وساز را به خود اختصاص داده بودند. بنابراین انتظار می رفت که با کاهش حضور آنها، تقاضا در بازار مسکن کاهش یافته و به تبع آن قیمت ها کمی منطقی تر شود. اما این انتظار محقق نشد. چرا؟ چون بسیاری از مهاجران افغانستانی، به ویژه مردان جوان، عمدتاً در مشاغل مانند کارگری ساختمانی، سראبداری و نگهداری فعالیت داشتند و محل کار و سکونت آنها در بسیاری موارد همپوشانی داشت؛ مثلاً در همان ساختمان های نیمه کاره

هدف اصلی دولت تأمین مسکن برای طبقات آسیب پذیر جامعه در متراژ و قیمت های کمتر است، که البته در این زمینه تاکنون به دلایل مختلف موفقیت چندانی نداشته است

یا پروژه های عمرانی سکونت می کردند، بنابراین خروج آنها تأثیر مستقیمی بر کاهش تقاضای بازار اجاره مسکن نداشت. البته خروج آنها منجر به کمبود نیروی انسانی ارزان قیمت در پروژه های ساختمانی شد و این مسأله افزایش دستمزد کارگران باقیمانده را در پی داشت و در نهایت هزینه تمام شده ساخت مسکن را بالا برد. به همین دلیل، نه تنها قیمت مسکن کاهش نیافت، بلکه در برخی مناطق شاهد افزایش آن نیز بودیم. به عبارت دیگر، خروج بله قطعا در کنار معضل خرید مسکن، بازار اجاره نیز به یکی از چالش های اصلی اجتماعی تبدیل شده است. نرخ اجاره بها در تهران سالانه بین ۴۰ تا ۶۰ درصد افزایش می یابد، در حالی که رشد دستمزدها به رحمت به ۲۵ درصد می رسد. این نابرابری موجب شده بسیاری از خانواده ها مجبور به کوچ به حاشیه شهرها شوند یا در واحدهای نامناسب وگاه خطرناک سکونت گزینند و در این زمینه همگان بر این باور هستند که دولت در کنترل بازار اجاره کاملاً ناکام عمل کرده است. عدم وجود نظام نظارتی کارآمد، سوداگری در این بخش را به حدی رسانده که برخی مالکان هر شش ماه یکبار بر نرخ اجاره می افزایند، بی آنکه ترسی از پیگرد قانونی داشته باشند. از طرف دیگر به دلایل مختلف موج مهاجرت از شهرهای کوچک و روستاها به کلان شهرها بر دامنه مشکلات افزوده است. بحران آب، بیکاری و نبود امکانات اولیه در شهرهای کوچک، سالانه ده ها هزار نفر را روانه پایتخت و شهرهای بزرگ برای کارایی مجبور می کند. این در حالی است که زیرساخت های مسکن در این شهرها پاسخگوی چنین هجوم جمعیتی نیست و نتیجه این شده که حاشیه نشینی در اطراف کلان شهرها به معضلی لاینحل تبدیل شود. سکونتگاه های غیررسمی که فاقد کمترین استانداردهای زندگی هستند، به سرعت در حال گسترش هستند و هر روز بر دامنه چالش های اجتماعی می افزایند. قطعاً خروج از این بحران چندبعدی نیازمند عزمی ملی و برنامه ای جامع است. نخستین گام، بازنگری در سیاست های اعتباری بانک هاست. افزایش سقف وام های مسکن و کاهش نرخ سود آنها می تواند تا حدی قدرت خرید مردم را بازگرداند. علاوه بر این اقدام ضروری دیگری که باید انجام داد، حمایت واقعی از ساخت وساز انبوه است و معافیت های مالیاتی برای پروژه های مسکن ارزان قیمت. تسهیل صدور مجوزها و کاهش عوارض شهرداری می تواند سازندگان را به فعالیت در این بخش ترغیب کند. در حقیقت طرح های مسکن ملی و حمایتی باید با سرعت و کیفیت بیشتر اجرایی شوند و تمرکز روی نیاز اقشار کم درآمد باشد، نه ساخت خانه های لوکس و بزرگ که هدف مصرف کنندگان واقعی نیست؛ بدیهی است تسهیل شرایط وام دهی، کاهش نرخ بهره و حمایت مالی از سازندگان و خریداران می تواند تقاضا را تحریک کند. البته در این میان نباید از توجه به بازار اجاره و مستأجرین غافل شد و باید با تدوین سیاست های حمایتی برای مستأجران، ایجاد نظام نظارتی مؤثر برای کنترل اجاره بها و ارتقاء کیفیت مسکن اجاره ای از این گروه حمایت کرد.

بازار مسکن در حال حاضر با بحران های بسیاری مواجه است. اما با توجه به تمام این عوامل پیشنهاد شما برای افرادی که همچنان مایل به ورود به این بازار و خرید مسکن هستند چیست؟ آیا زمان مناسبی تلقی می شود؟

بازار مسکن ایران در شرایط کنونی با چالش های جدی مواجه است که ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متعدّد است، عدم تعادل در عرضه و تقاضا، هزینه های بالای ساخت، نا کارآمدی سیاست های حمایتی و افزایش جمعیت کلان شهرها از مهم ترین دلایل این وضعیت است. برای عبور از این بحران، نیاز به بازنگری اساسی در سیاست ها، هماهنگی بین دستگاه های اجرایی و اتخاذ تصمیمات کارشناسی و عملیاتی وجود دارد. تنها از این طریق می توان به رونق بازار مسکن، افزایش دسترسی اقشار آسیب پذیر به مسکن مناسب و رشد پایدار اقتصاد کلان کشور امیدوار بود. اما قطعاً زمان کنونی، موقع بسیار مناسبی برای خریداران مسکن، به برای کسانی که به عنوان مسکن مناسب برای سکونت خود یا سرمایه گذاری هستند، است، حتی اگر رکود نسبی یک یا دو سال دیگر هم ادامه داشته باشد. در نهایت ایجاد نظام نظارتی کارآمد، تعیین نرخ اجاره متناسب با تورم واقعی و حمایت از مستأجران کم درآمد می تواند از گسترش بی عدالتی در این بخش جلوگیری کند.

یازدهمین نشست، رزینب قیصری، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس از تصویب کلیات طرح تشکیل نهاد تنظیم گر مستقل برای رفع انحصار و اصلاح تعرفه گذاری خبر داد. نشست کمیسیون انرژی اتاق ایران دوشنبه ۱۳ مرداد ماه ۱۴۰۴ با موضوع بررسی بسته پیشنهادی کمیسیون انرژی در خصوص حل تعهدات ارزی نیروگاه ها به بانک های عامل، با حضور رزینب قیصری عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس و ابراهیم صیامی دبیر کمیسیون اقتصادی دولت و با مشارکت تشکل های تخصصی این حوزه، برگزار شد.

دزه بین

جبران کمبود برق

با توسعه نیروگاه های خورشیدی

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس از تصویب کلیات طرح تشکیل نهاد تنظیم گر مستقل برای رفع انحصار و اصلاح تعرفه گذاری خبر داد. نشست کمیسیون انرژی اتاق ایران دوشنبه ۱۳ مرداد ماه ۱۴۰۴ با موضوع بررسی بسته پیشنهادی کمیسیون انرژی در خصوص حل تعهدات ارزی نیروگاه ها به بانک های عامل، با حضور رزینب قیصری عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس و ابراهیم صیامی دبیر کمیسیون اقتصادی دولت و با مشارکت تشکل های تخصصی این حوزه، برگزار شد.

اقتصاد معیوب صنعت برق

در ابتدای این نشست، رزینب قیصری، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس از تصویب کلیات طرح تشکیل نهاد تنظیم گر مستقل برای رفع انحصار و اصلاح تعرفه گذاری خبر داد و گفت: ناترازی در انرژی به خصوص در بخش برق به دلیل کمبود تولید یا مدیریت نادرست مصرف نیست، بلکه ناشی از اقتصاد معیوب این صنعت است. وی با بیان اینکه قوانین موجود در این حوزه به دلیل تعارضات با عدم اجران توانسته اند موانع تولید را رفع کنند، گفت: مجلس در کنار دولتی و اتاق بازرگانی ایران، با برگزاری جلسات متعدد و بازدیدهای میدانی به دنبال حل مشکلات صنعت برق است.

این عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس از تلاش برای ایجاد نهاد تنظیم گر مستقل خبر داد و گفت: کلیات این طرح در مجلس تصویب شده و با همکاری اتاق بازرگانی و دستگاه های مرتبط، جزئیات آن در ۱۱ تا نشست بررسی شده است. این نهاد باید خارج از وزارت نیرو و ذیل شورای رقابت با حفظ استقلال عمل کند تا انحصار و تعرفه گذاری دولتی پایان یابد.

قیصری با بیان اینکه ۵۵ درصد تولید برق کشور در اختیار بخش خصوصی است، اما تعرفه گذاری دولتی و بار هفتمندی بارانه ها، اقتصاد این صنعت را مختل کرده است، افزود: اختلال در اقتصاد صنعت برق، سرمایه گذاری در انرژی های تجدیدپذیر و بهینه سازی را برای بخش خصوصی غیر جذاب کرده است.

وی افزود: این موضوع باعث خروج برخی پیمانکاران و توقف فعالیت شرکت های تجهیزات ساز شده است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس از آمادگی مجلس برای حمایت از تصمیمات بخش خصوصی خبر داد و گفت: مشکلات مالی، ارتباط با بانک مرکزی و موانع سرمایه گذاری باید رفع شود. قوانین خوبی در حوزه تولید وجود دارد، اما دولت باید با اصلاح دخالت های نادرست، این مشکلات را جبران کند.

در این جلسه گفت: تاکنون در جلسات متعدد به بررسی راهکارهای حل مشکلات موجود پرداخته ایم.

وی با بیان اینکه باید دو نکته اصلی مشخص شود، افزود: نخست مدت زمان تسویه بدهی ها توسط نیروگاه ها و دوم سهم برق تولیدی که باید در بازار آزاد عرضه یا از طریق قراردادهای دوجانبه با صنعت تأمین شود. بر اساس دستورالعمل های موجود، بخشی از برق باید در تابلوی آزاد عرضه شده و بخشی نیز از طریق قراردادهای دوجانبه با صنعت به فروش برسد.

وی با تأکید بر کاهش مصرف برق در بخش خانگی، گفت: مصرف برق باید به گونه ای مدیریت شود که میزان و ساعات خاموشی افزایش نیابد و با توسعه نیروگاه های خورشیدی این کمبود جبران شود. هدف نهایی این است که با اجرای این فرمول پیشنهادی، مشکلات نیروگاه ها حل شده و پرداخت اقساط بدهی ها تسهیل شود. این موضوع علاوه بر حل مسائل مالی، موجب توسعه سریع تر نیروگاه های تجدیدپذیر خواهد شد. صیامی افزود: اگر همه بخش ها به خوبی همکاری کنند، ظرف یک سال نه تنها بدهی ها تعیین تکلیف می شود، بلکه پروژه های زیر واز در عملیاتی خواهند شد. وی یادآور شد که این روند می تواند به شکل گیری نگرشی مثبت در بخش خصوصی کمک کرده و روند بهبود وضعیت را تسریع کند. دبیر کمیسیون اقتصادی دولت خاطرنشان کرد: تاکنون کلیات پیشنهاد مطرح شده و نیاز است اعداد و ارقام دقیق تر برای بررسی های تخصصی و تصمیم گیری نهایی ارائه شود. مذاکرات و گفت وگوها به وزارتخانه ها و دستگاه های ذیربط حداقل تا چهار سال ادامه خواهد داشت تا به توافق نهایی برسند.

وضعیت صنعت برق بحرانی است

در ادامه این نشست، ابراهیم خوش گفتار، رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت های تولیدکننده برق با بیان اینکه وام گرفتن بدون تضمین امکان پذیر نیست، گفت: در سال ۱۳۹۴ برق برخی نیروگاه ها به فروش رسید و در نتیجه دولت وقت موظف به تدبیل ریال به ارز برای بازپرداخت مطالبات نیروگاه ها شد. این روند تا سال ۱۳۹۶ ادامه داشت و پس از برگزاری جلسات متعدد با دولت وقت، گزارشی به آقای نهبانددیان ارائه شد که نشان دهنده وضعیت بحرانی این حوزه بود. خوش گفتار با اشاره به آن زمان پیشنهاد شد وام ها به صورت ریالی پرداخت شود، افزود: با وجود باقی ماندن بیش از دو سال و نیم از عمر دولت، این موضوع به تعویق افتاد. رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت های تولیدکننده برق با بیان اینکه مطرح شد که در صورت ادامه روند فعلی، به دلیل عدم تأمین منابع مالی از صندوق توسعه ملی، هیچ نیروگاهی ساخته نخواهد شد و وضعیت بدتر می شود، گفت: صنعت برق به دلیل عدم اجرای تعهدات دولت با مشکلات جدی مواجه شده است و در صورت ادامه این وضعیت، ظرف سال های آینده کمبود برق شدیدتر خواهد شد.

خوش گفتار، راهکار پیشنهادی را ارائه مدلی ۱۵ ساله عنوان کرد که در آن وزارت نیرو موظف به خرید برق تولیدی نیروگاه ها به نرخ مناسب و تضمین شد باشد و گفت: این مدل به این دلیل اهمیت دارد که مصرف صورت شود و تولید برق کاملاً قابل رصداست و امکان سوء استفاده وجود ندارد.

وی افزود: با پیگیری های انجام شده نامه ای به آقای مخبر ارسال شده که در صورت حل این مشکل، صندوق توسعه منابع لازم را برای پروژه های توسعه نیروگاهی اختصاص خواهد داد، اما متأسفانه تاکنون توجه کافی صورت نگرفته است.